Cyberspace Governance Pattern in the Islamic Republic of Iran

Mohammad Babaaei[1]

Hossein Ghasemy[2]

Afrooz Farrokhi[3]

Abstract

The purpose of the article is to identify the cyberspace governance model in Iran. Similar to the experience of the conventional media era, governments want to dominate cyberspace with the same characteristics as print and electronic media and manage it in an authoritarian manner. The experience of cyberspace governance in the Islamic Republic has also shown that the nature of this governance is generally authoritarian and centralized, and in the meantime, people-oriented governance considerations have been marginalized. Such a mechanism ultimately pushes the cyberspace governance model towards security. The main question of the article is what model does the cyberspace governance model follow in Iran? In order to document this view based on the case study method and with the aim of achieving a practical model for cyberspace policy-making in the Islamic Republic, the laws, regulations, and policies announced regarding the two platforms Twitter and Telegram have been examined. The research findings show that securitization of governance on the one hand and marginalization of popular attachments have been two important features of space governance in Iran so far.

Keywords: Cyberspace, Governance, Twitter, Telegram, Securitization

1- Assistant Professor, Department of Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran
(mohammadbabaei@khu.ac.ir)
2- Graduated from Master's degree in Political Science of Khwarazmi University, Tehran, Iran.
(hsynqasmy45@gmail.com)
3- Department of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
(afrooz_farrokhi1350@yahoo.com)

الگویابی حکمرانی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی توییتر و تلگرام

محمد بابایی*[1]

حسین قاسمی [2]

افروز فرخی[3]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

چکیده

هدف مقاله شناسایی الگوی حکمرانی فضای سایبر در ایران است. دولت‌ها بمانند تجربه دوران غلبه رسانه‌های متعارف، مایلند بر فضای مجازی با همان مختصات رسانه‌های چاپی و الکترونیکی، سلطه یابند و آمرانه آن را مدیریت کنند. تجربه حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی نیز نشان داده است ماهیت این حکمرانی عموما آمرانه و متمرکز است و در این بین ملاحظات حکمرانی مردم‌مدار هم به حاشیه رانده شده است. چنین سازوکاری در نهایت مدل حکمرانی فضای سایبر را به سوی امنیتی شدن سوق می‌دهد. پرسش اصلی مقاله آن است الگوی حکمرانی فضای سایبر در ایران از چه مدلی پیروی می کند؟ به منظور مستندسازی این دیدگاه بر اساس روش مطالعه موردی و با هدف دستیابی به الگوی عملی سیاستگذاری فضای سایبر در جمهوری اسلامی، به بررسی قوانین، مقررات و سیاست‌های اعلام شده در خصوص دو پلتفرم توییتر و تلگرام پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد امنیتی‌سازی حکمرانی از یک سو و نیز به حاشیه راندن پیوست‌های مردمی، دو ویژگی مهم حکمرانی فضای تاکنون در ایران بوده است .

واژه‌های کلیدی: فضای سایبر، حکمرانی، توییتر، تلگرام، امنیتی‌سازی

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mohammadbabaei@khu.ac.ir

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران
hsynqasmy45@gmail.com

۳- گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
afrooz_farrokhi1350@yahoo.com

مقدمه[1]

رسانه‌های اجتماعی به مثابه بسترهایی برای اطلاع رسانی از ابتدای به کارگیری در جمهوری اسلامی، محل توجه حکومت بوده‌اند. این رسانه‌ها گاه در قالب شبکه‌های اجتماعی، به واسطه ویژگی‌ها و امکانات خاصی که دارند بستری برای اجتماعات آنلاین، آفلاین و تعامل آزاد ایده‌ها و نظرات شده‌اند و البته متاثر از فضای سیاسی- اجتماعی ایران اقبال کاربران را درپی داشته‌اند. از این نظر توییتر و تلگرام دو شبکه محبوب ایرانیان به شمار می‌روند (مرکز پژوهشی بتا، ۱۴۰۱). مسئله در این میان نوع مقررات‌گذاری و مدیریت و به عبارتی حکمرانی این فضا در ایران است. به نظر میرسد جمهوری اسلامی در مواجهه با این پدیده بدون داشتن سیاستی مشخص، به صورت واکنشی عمل میکند. نبود سیاست مدون و هدفمند، سبب شده است مواجهه با فضای سایبر دستخوش نگرش‌هایی بشود که آن را نه یک بستر و فرصت، که تهدید به شمار آورند. نگاه اجمالی به واکنش نهادهای مسئول در. جمهوری اسلامی، عملکرد ایشان و نیز وضع مقررات این حوزه بیانگر غلبه چنین نگاهی بر فضای سایبر است. ادعای مقاله این است که چنین رویکردی در نهایت به امنیتی‌سازی حکمرانی فضای سایبر منتهی می‌شود. نگاه امنیتی‌ساز در حکمرانی فضای سایبر نیز مانع درک واقع بینانه ماهیت چنین فضایی شده است. مطالعات در این باره نیز نشان میدهد این موضوع همچنان نیازمند بررسی ابعاد آن است.

۱- - این مقاله بخشی از یک پژوهش گسترده است که به صورت فشرده و خلاصه ارائه شده است.

سال سوم، شماره۱، پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۳
الگویابی حکمرانی فضای سایبر در جمهور اسلامی ایران؛ مطالعه موردی توییتر و تلگرام

مثـلا شـماری از مطالعـات، معطـوف بـه شـناخت تاثیـر ایـن فضـا بـر امنیـت ملـی ایـران اسـت. علـی خلیلـی پـور رکن‌آبـادی و یاسـر نورعلیونـد (۱۳۹۱) در مقالـه «تهدیـدات سـایبری و تأثیـر آن بـر امنیـت ملـی»؛ امیـر قدسـی (۱۳۹۲) در مقالـه «تاثیـر فضـای سـایبربر امنیـت ملـی جمهـوری اسـلامی ایـران و ارائـه راهبـرد؛ بـا تاکیـد بـر ایفـای نقـش سـرمایه اجتماعـی»؛ حسـین حسـینی، حمیدرضـا مقـدم فـر و مصطفـی قنبرپـور (۱۳۹۳) هـم در مقالـه «واکاوی نقـش و کارکـرد شـبکه‌های اجتماعـی مجـازی در حـوادث انتخابـات سـال ۱۳۸۸ جمهـوری اسـلامی ایـران»؛ مطالعـه « تاثیـر فضـای سـایبربر امنیـت ملـی جمهـوری اسـلامی» نوشـته بصیـر عسـگری و سـمانه گلـی (۱۳۹۷)؛مطالعـه غلامرضـا نـدری، احمـد بخشایشـی، علـی دارابـی و مجتبـی مقصـودی (۱۳۹۸) در مقالـه «بررسـی نقـش سیاسـی-امنیتی شـبکه‌های اجتماعـی مجـازی بـر امنیـت ملـی جمهـوری اسـلامی ایـران» و نیـز مطالعـه پرویـن خالصـی، محمـد باقـر بابائـی و محمـد مهـدی مظاهـری (۱۳۹۸) در مقالـه «چالش‌هـا، فرصت‌هـا و اثـرات سیاسـی فضـای سـایبردر نظـام جمهـوری اسـلامی ایـران» بـر همیـن رویکـرد متمرکـز هسـتند. از نـگاه ایـن پژوهشـگران فضـای سـایبر بـا توجـه بـه ظرفیت‌هایـی کـه دارد،گاه سـبب شـده اسـت امنیـت ملـی تحـت تاثیـر قـرار بگیـرد. ایـن پژوهشـگران در مطالعـات خـود البتـه راهکارهایـی را نیـز بـرای کاهـش ایـن تاثیرپذیـری پیشـنهاد می‌کننـد.

از سـویی برخـی مطالعـات دربـاره شـناخت فرایندهـای امنیتـی سـازی رویدادهـا در ایـران و یـا اسـتخراج الگویـی تجربـی از شـیوه مدیریـت فضـای سـایبر در ایـران اسـت. مطالعـه عبدالرضـا امیـری (۱۳۹۱) در مقالـه « مطالعـه فراینـد و متغیرهـای مؤثـر بـر امنیتـی شـدن بحران‌هـای اجتماعـی در ایـران»؛ و نیـز مطالعـه جعفـر فینـی زاده بیدگلـی، امیرهوشـنگ خـادم دقیـق و محمـد شـفیع (۱۳۹۵) در مقالـه «بررسـی ویژگی‌هـای امنیتـی شـدن یـک پدیده(موضـوع) در جمهـوری اسـلامی ایـران» و همچنیـن پژوهـش سیدابوالحسـن فیروزآبـادی و جـواد احمدآبـادی آزادی (۱۳۹۹) در مقالـه « تحلیـل پیشـینه حکمرانـی فضـای سـایبرجمهوری اسـالمی ایـران» در زمـره ایـن دسـته از مطالعـات هسـتند.

مجموعـه دیگـری از مطالعـات نیـز دربـاره دیـدگاه مکتـب کپنهاگ و نقد آن اسـت.

مقالـه «نقـد نظریـه فرهنـگ امنیـت ملـی بـا تأمـل در آثـار بـاری بـوزان و مکتـب کپنهـاگ» نوشـته علـی آدمـی (۱۳۹۴) ؛پژوهـش رسـول زارع‌زاده (۱۳۹۶) در مقالـۀ «نـگاه کپنهاگـی بـه امنیتـی سـازی: مبانـی و چالش‌هـا»؛ مقالـه «جایـگاه امنیـت در مکتـب کپنهـاگ: چارچوبـی بـرای تحلیـل» نوشـته محمـد تقـی آذرشـیب، مرتضـی نجـم آبـادی و رامیـن بخشـی تلیابـی (۱۳۹۶) و نیـز پژوهـش علـی عبداله‌خانـی (۱۳۸۵) نیـز در زمـره ایـن دسـته از مطالعـات قـرار می‌گیرنـد.

بـا وجـود ایـن مطالعـات امـا یکـی از حوزه‌هـای نیازمنـد بررسـی بیشـتر، شـیوه حکمرانـی فضـای سـایبردر ایـران اسـت. ایـن حـوزه بـه ویـژه مسـتلزم نقـد و بررسـی جـدی اسـت. در میـان مطالعـات یادشـده تنهـا مطالعـه فیروزآبـادی و همکارانـش از ایـن جهـت کـه بـه نقـد شـیوه حکمرانـی و اسـتخراج مدلـی تجربـی پرداختـه بودنـد بـا موضـع مطالعـه حاضـر همسوسـت. مطالعـه حاضـر امـا در صـدد نقـد شـیوه حکمرانـی براسـاس انطبـاق آن بـا نظریـه امنیتـی سـازی کپنهـاگ اسـت و از ایـن نظـر جدیـد اسـت.

سال سوم، شماره۱۵، پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۳
اگویابی‌حکمرانی فضای‌سایبر در جمهوراسلامی‌ایران؛ مطالعه‌موردی‌توییتر وتلگرام

۱-مبانی نظری

بـا گسـترش اسـتفاده از امکانـات فضـای سـایبر میـان مـردم، دولـت هـا بـه منظـور حکمرانـی بـر آن از شـیوه هـای مختلفـی بهـره مـی برنـد. اینکـه دولـت هـا کـدام شـیوه را یـا ترکیبـی از آنهـا را برگزیننـد بیـش از هـر چیـز بـا ماهیـت نظـام سیاسـی آن بسـتگی دارد. در مجمـوع محققـان رویکـرد نظـری زیـر را دربـاره شـیوه هـای حکمرانـی فضـای سـایبرمطرح مـی کننـد.

شیوه های حکمرانی فضای سایبر

- نظارت و کنترل

بسـیاری از دولت‌هـا به‌ویـژه کشـورهای برخـوردار از رژیـم هـای غیـر دموکراتیـک، از نظـارت و کنتـرل شـدید بـر فضـای سایبراسـتفاده می‌کننـد. در ایـن نـوع حکمرانـی، دولت‌هـا بـا اسـتفاده از ابزارهـای فنـی و قانونـی، دسترسـی بـه اطلاعـات و ارتباطـات اینترنتـی را محـدود می‌کننـد. به‌عنـوان مثـال، دولـت چیـن

با استفاده از انچه «دیوار آتش بزرگ»[1] نامیده می شود، اینترنت را به‌صورت گسترده‌ای سانسور و دسترسی به وب‌سایت‌های خارجی را محدود می‌کند (مورل، ۲۰۱۳: ۱۴). این شیوه عموما شامل مسدود کردن وب‌سایت‌ها، فیلتر کردن محتوا و کنترل بر فعالیت‌های کاربران است.

- تنظیم گری و قانون‌گذاری

در برخی کشورها، دولت‌ها به جای نظارت مستقیم و کنترل کامل، به تنظیم گری و قانون‌گذاری فضای سایبرمی‌پردازند. این کشورها قوانین و مقرراتی را برای حفاظت از حریم خصوصی، حقوق کاربران و امنیت اطلاعات وضع می‌کنند. اتحادیه اروپا با تصویب مقررات حفاظت از داده‌های عمومی [2] نمونه‌ای از چنین رویکردی است (استرین، ۲۰۱۸: ۳۲). این مقررات تلاش دارند تا ضمن حمایت از حقوق کاربران، شرکت‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را به مسئولیت‌پذیری وادار کنند.

- خودتنظیمی و همکاری با بخش خصوصی

در برخی کشورها، دولت‌ها بیشتر بر خودتنظیمی تأکید دارند. به این معنا که با همکاری بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی، فضای سایبررا حکمرانی می‌کنند. در این مدل، دولت‌ها از طریق مشاوره و همکاری با شرکت‌های فناوری و ارائه دهندگان خدمات اینترنتی، چارچوب‌هایی را برای خودتنظیمی ایجاد می‌کنند. به‌عنوان مثال، در ایالات متحده، بسیاری از مقررات فضای سایبرتوسط شرکت‌های بزرگ فناوری مانند گوگل و فیس‌بوک تنظیم می‌شوند و دولت نقش نظارتی محدودی ایفا می‌کند (پری، ۲۰۱۹: ۲۸)

- رویکردهای مشارکتی و چندجانبه‌گرایی

در این شیوه، دولت‌ها به همراه سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای غیردولتی

۱- - Great Firewall : پروژه دولت چین برای کنترل اینترنت که در آن از فناوری‌های مختلف کنترل شبکه برای اعمال سیاست‌های خود در اینترنت کشور استفاده کرده‌است.

2- General Data Protection Regulation (GDPR)

و بخش خصوصی در حکمرانی فضای سایبرهمکاری می‌کنند. این رویکرد بر مبنای چندجانبه‌گرایی است و هدف آن هماهنگی و ایجاد چارچوب‌های مشترک در سطح بین‌المللی برای تنظیم فضای سایبراست. به عنوان مثال، سازمان بین‌المللی آیکان[1] - شرکت اینترنتی نام‌ها و شماره های واگذار شدهف مسئول تنظیم نام دامنه‌ها و آدرس‌های اینترنتی در سطح جهانی است (گودین، ۲۰۱۷: ۷۶). این شرکت به این موارد رسیدگی می کند : کنترل مسائل فنی سامانه ثبت نام دامنه ها، کنترل صحت آدرس های کاربران، کنترل و مدیریت توزیع نمایندگی برای نام دامنه ها،امور مالی ، کنترل محتوای اینترنت، کنترل اسپم ها و کنترل مالکیت نام دامین ها((https://atgo.ir/icann

نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ

به منظور تبیین فرضیه مقاله، از نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ نیز بهره گرفته شده است. این نظریه با توجه به شاخص‌های کاربردی که به منظور سنجش کیفیت امنیتی سازی فرایندهای اجتماعی ارائه می‌کند تا حد زیادی برای فهم چگونگی فرایند امنیتی سازی حکمرانی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران مناسب به نظر میرسد.

تا چند دهه پیش مفهوم امنیت عموما از نگاه کشمکش نظامی تبیین می‌شد (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 3). مکتب کپنهاگ بر خلاف نگاه سنتی به مفهوم امنیت (متاثر از دوران جنگ سرد)، آن را فقط نظامی نمینگرد بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیستمحیطی نیز برای فهم آن در نظر میگیرد (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 4-5). در دیدگاه سنتی در بهترین حالت، امنیت گونه‌ای تثبیت مناسبات تعارض آلود یا تهدید کننده، آن هم اغلب از طریق بسیج اضطراری دولت بود؛ اما اکنون امنیت نوین دستخوش تحول بنیادین است و به ایده‌ای سازمان دهنده در مطالعات بین المللی تبدیل شده است(آذرشیب، ۱۳۹۶: ۹۲). هم از این روست که مکتب کپنهاگ امنیت را صرفا در سطح ملی، فراملی و نظام بین المللی ندیده، آن را به قلمروهای

1-- Internet Corporation Assigned Names And Numbers (ICANN)

فروملی[1] و حتی فردی[2] نیز تسری می‌بخشد (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 5-6).

آنچه دراین مکتب برای مطالعه حاضر مهم است مفهوم «امنیتی سازی[3]» است. یعنی زمانی که موضوعی «تهدیدی وجودی» تلقی میشود، مستلزم اقدامات فوریتی[4] و توجیه کننده عملکردهایی فراتر از محدودیت رویه‌های سیاسی معمول است (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 23-24). از این رو چنانچه «بازیگر امنیتی‌ساز» با یک استدلال مبنی بر الویت و تهدید وجودی بودن مسئله‌ای بتواند آن را خارج از رویه‌ها و مقررات عادی، مدیریت کند ما با نوعی امنیتی‌سازی مواجه‌ایم (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 25). این مفهوم همچنین نشان میدهد یک موضوع، شخص، یا گروه چگونه در فرآیندی خاص، به مسئله‌ای امنیتی یا تهدید تبدیل می‌شود و یا چگونه مستعد پروژه امنیتی شدن و تلقی آن به مثابه تهدیدی بالقوه می‌گردد.

بر اساس مفروضات این مکتب یک موضوع یا غیرسیاسی است (زمانی که دولت در یک موضوع دخالتی نمی‌کند)،

یا سیاسی (زمانی که یک موضوع قسمتی از سیاست عمومی باشد و مستلزم تصمیم گیری حکومت است)، یاامنیتی‌شده(زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید وجودی معرفی می‌شود و فراتر از سیاست عادی توجیه می‌شود)، و یا امنیتزدایی شده(زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید تعریف نمیشود و دوباره به حوزه عمومی منتقل میشود). در این نگاه «پدیده‌های سیاسی» گفتگوپذیر و محل سازشند اما «پدیده امنیتی»، برای یک دولت و جامعه سیاسی تهدید به شمار میرود (بوزان، وید، دوویلد، ۱۳۹۵: ۴۸). پس در فرایند امنیتی سازی یک موضوع، باید آن را آنچنان پر اهمیت نشان دهیم که نبایست بر سر آن بحث کرد و چک و چانه زد؛بلکه رهبران سیاسی باید تصمیمی قاطع در مقابل آن بگیرند(بوزان، وید، دوویلد، ۱۳۹۵: ۵۹). درمقابل

1- Subunits
2- Individuals
3- Securitization
4- Emergency measures

سال سوم، شماره۱۵، پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۳
الگویابی‌حکمرانی فضای سایبر در جمهوراسلامی‌ایران؛ مطالعه‌موردی‌توییتر وتلگرام

نیـز سیاسـی شـدن بـه ایـن معنـی اسـت کـه موضوعـی بـه طـور آشـکار مـورد بحـث و انتخـاب در حـوزه رسـمی قـرار بگیـرد و در مـورد آن تصمیـم گیـری شـود.اما امنیتی شـدن حرکـت از سیاسـی شـدن بـه حـوزه امنیـت دولـت اسـت؛ مرحلـه‌ای کـه در آن، موضـوع امنیتـی شـده فراتـر از قوانیـن رسـمی دنبـال میشـود (حاجی‌مینـه، ۱۳۹۲ : ۱۶). ایـن فراینـد امنیتـی سـازی عمومـا در سـه مرحلـه اجرامـی شـود: معرفـی یـک پدیـده بـه عنـوان تهدیـد وجـودی[1] و مهـم از سـوی بازیگـران امنیتـی سـاز،اقناع مخاطبـان هـدف، تصمیـم گیـری و اجـرا (حاجـی مینـه، ۱۳۹۲: ۱۷- ۱۸). در جریـان امنیتـی شـدن نیـز توجـه بـه پنـج عنصـر ضـروری اسـت. ۱) هـدف مرجـع ۲) بازیگـران امنیتـی کننـده ۳) بازیگـران کارکـردی ۴) مخاطبـان هـدف ۵) شـرایط تسـهیل کننـده (Buzan, Waever, de Wilde, 1998: 35-37).

هـدف مرجـع آن چیـزی اسـت کـه تصـور می‌شـود «بـه لحـاظ وجـودی تهدیـد شـده اسـت». گرچـه هـدف مرجـع تاکنـون عمومـا دولـت بـوده، امـا بازیگـران امنیتیسـاز میتواننـد هـر چیـزی را (هویـت ملـی، گروههـای اجتماعـی، افـراد) هـدف مرجـع تعریـف کننـد. بازیگـران امنیتی‌سـاز(نخبگان سیاسـی، حکومـت، گروه‌هـای فشـار و ارتـش) کسـانی‌اند کـه گفتمـان امنیتـی را بـرای امنیتـی کـردن یـک موضـوع اجـرا می‌کننـد.[2] بازیگـران کارکـردی، نهادهاییانـد کـه بـه واسـطه برخـورداری از سـرمایه اجتماعـی خـود بـر تصمیم‌هـا در حـوزه امنیـت تأثیـر می‌گذارند.آنهـا بـا تکـرار گفتمـان حاکـم بازیگـران امنیتی‌سـاز در ایـن جریـان شـرکت می‌کننـد. مثـلا رسـانه‌های جمعـی یـک عامـل بیرونـی تأثیرگـذار در سـیر امنیتـی شـدن اسـت کـه بـه اقـدام گفتـاری امنیتـی شـدن کمـک میکنـد (حاجی‌مینـه، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷). در مـورد مخاطبـان هـدف بایـد توجـه نمـود کـه تنهـا شـامل تـوده مـردم نیسـت، بلکـه می‌توانـد از تصمیـم گیرنـدگان سیاسـی تـا نخبـگان دیوانسـالار (بوروکـرات) یـا افسـران ارتـش را شـامل بشـود. نکتـه آن اسـت کـه «امنیتـی شـدن» زمانـی موفـق اسـت کـه مخاطبـان هـدف، آن را امنیتـی بداننـد (بـوزان، ویـور، دوویلـد، ۱۳۹۵: ۵۳) یعنـی آن را فراتـر از مرزهای»سیاسـت عـادی» تلقـی کننـد. تـا زمانـی کـه چنیـن پذیرشـی محقـق نشـود،تنها میتـوان از تـلاش امنیتـی صحبـت کـرد (حاجـی مینـه،

1- Existential threat

۲- نباید از نظر دور داشت که بازیگران امنیتی ساز اغلب منافع شخصی خود را پنهانی دنبال می کنند و به این طریق شانس برنده شدن در مقابل مخاطبان هدف را نیز دارند. (حاجی‌مینه، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷)

سال سوم، شماره۱، پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۳
اگویابی‌حکمرانی فضای‌سایبر در جمهوراسلامی‌ایران؛ مطالعه‌موردی‌توییتر وتلگرام

۱۳۹۲: ۱۷). اما شرایط تسهیل کننده به عنوان مفهوم پنجم، شامل شرایط داخلی، منطقهای یا جهانی میشود. شرایطی که به بازیگران امنیتی کننده در تعیین موضوعهای مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدیدهای وجودی کمک میکنند (حاجیمینه، ۱۳۹۲: ۱۷). در پایان این فرایند هم مرحله امنیت زدایی قرار دارد. امنیت زدایی، برگشت به رویه پیشین است، به این معنی که موضوعها از حالت اضطراری خارج و دوباره به جریان چانه زنی عادی در حوزه سیاسی برمیگردند. به عبارت دیگر،سیری است که در چارچوب آن موضوعهای خاص از حوزه فراسیاسی و امنیتی خارج شده و به حوزه سیاست روزمره و عادی بازگردانده میشوند. دردورهی امنیت زدایی، اهداف مرجع امنیتی شده با کمک بازیگران کارکردی تحت شرایط آسان کننده در جهت عکس روند امنیتی شدن، دوباره سیاسی میشوند. برای امنیت زدایی باید مخاطبان هدف متقاعد شوند که هدف مرجع از نظر وجودی تهدید نشده است و اقدامات پیشین، نتیجه معکوس دادهاند (حاجیمینه، ۱۳۹۲: ۱۸).

در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از این چارچوب نظری و شاخصهای برگرفته از آن (انواع موضوع، عناصر موثر، و مراحل امنیتیسازی) که به تعبیر پیشگفته شیوهای مناسب برای مطالعه مدیریت بر امنیت است (عبدالهخانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱) به بررسی روند و مدل مدیریت فضای سایبر در ج.ا با تاکید بر تلگرام و توییتر پرداخته شود.

۲-روش پژوهش

روش پژوهش در مطالعه حاضر اسنادی است. نوع پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی است. به این معنا که پس از گردآوری دادهها از اسناد معتبر، ضمن گزارش و توصیف آنها، براساس شاخصها و مدل برگرفته از چارچوب نظری جایابی و سپس تحلیل شدهاند. بدیهی است در این فرایند به منظور معنادار ساختن دادهها، این دادهها در درون مدل به دست آمده قرارگرفته اند. آنچه در عمل توصیف و سپس تحلیل شده این است که پس از ارائه تعاریف اولیه از مفاهیم و متغیرهای اصلی پژوهش، به احصا و بررسی مجموعه قوانین و مقررات مرتبط

با حوزه فضای سایبر به ویژه تلگرام و توییتر پرداخته شده است. در این مسیر توجه به مواضع رهبران و مسئولان و تصمیمگیران ج.ا در حوزه اینترنت و فضای سایبر بخشی مهم از این احصا و بررسی است. در مرحله بعد پس از دسته بندی دادههای اولیه، با استفاده از شاخص‌های به دست آمده از بخش چارچوب نظری و با تطبیق آنها با هریک از تصمیمات مهم، به استخراج نقاط افتراق و اشتراک مدل مدیریتی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران با مراحل و ویژگی‌های امنیتی سازی مدل نظری مکتب کپنهاگ پرداخته شده است. در پایان نیز مدل برگرفته از شیوه مدیریت فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.

۳-نهادهای دخیل در مدیریت فضای سایبردر ایران

در ساختار رسمی جمهوری اسلامی نهادهای متعددی در مدیریت فضای سایبرنقش دارند.[۱] مطابق این ساختار، عالی ترین نهاد تصمیمگیر در این حوزه شورای عالی فضای سایبراست که اصلی‌ترین تصمیمات این حوزه را اتخاذ می کند.

شورای عال فضای مجازی: ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ مقام معظم رهبری در حکمی، تشکیل شورای عالی در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات را دستور دادند. شورای عالی فضای سایبرو در ذیل آن، مرکز ملی فضای سایبربه عنوان نهادی که با حضور تمامی قوای کشوری و لشکری تشکیل شده است، وظیفه سیاست‌گذاری در این حوزه را برعهده دارد[۲]. با توجه به محورهایی که در حکم، بر آنها تاکید شده، نقش محوری شورا در مدیریت فضای سایبر بارز

۱- ممکن است نهادهای دیگری هم در مدیریت این فضا نقش داشته باشند اما در مطالعه حاضر معیار اصلی ساختار رسمی و علنی جمهوری اسلامی ایران است.

۲- این شورا متشکل از اعضای حقیقی و حقوقی است که به مدت سه سال تعیین می شوند. اعضای حقوقی شامل این موارد است: روسای قوا، رئیس سازمان صداوسیما، دبیر شورا و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، وزیران ارتباطات و فناوری اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم و تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، اطلاعات، دفاع، معاون علمی و فن‌آوری رئیس‌جمهور، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه، فرمانده انتظامی ج.ا و دادستان کل کشور

است.[1]

قـــوه مجریـــه: در قـوه مجریـه نهادهـای زیـر در مدیریـت فضـای سـایبرنقش دارنـد:

وزارت ارتباطـات و فنـاوری اطلاعـا: مهم‌تریـن نهـادی کـه در ذیـل وزارت ارتباطـات، کار ارائـه مجوزهـا و نظـارت بـر حسـن انجـام تعهـدات را برعهـده دارد، سـازمان تنظیـم مقـررات و ارتباطـات رادیویـی اسـت کـه بـا اسـتناد بـه مـاده ۷ قانـون وظایـف و اختیـارات وزارت ارتباطـات و فنـاوری اطلاعـات (مصـوب ۱۳۸۲ مجلـس شـورای اسـلامی) از تجمیـع معاونـت امـور مخابراتـی وزارت ارتباطـات و فنـاوری اطلاعـات و اداره کل ارتباطـات رادیویـی، بـه منظـور ایفـای وظایـف و اختیـارات حاکمیتـی، نظارتـی و اجرایـی در بخـش تنظیـم مقـررات و ارتباطـات رادیویـی وابسـته بـه وزارت ارتباطـات و فنـاوری اطلاعـات تأسـیس شـده اسـت.(درگاه اینترنتـی وزارت ارتباطـات و فنـاوری اطلاعـات).

وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی: آنچـه وزارت ارتباطـات و فنـاوری اطلاعـات انجـام می‌دهـد در زمینـه زیرسـاخت‌های فنـی اسـت، امـا شـرکت‌هایی کـه می‌خواهنـد در زمینـه تامیـن و انتشـار محتـوای الکترونیکـی فعالیـت داشـته باشـند، موظـف هسـتند مجوزهـای لازم را از وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی دریافـت کننـد. بـه طـور مشـخص دو نهـاد در ایـن وزارتخانـه وظیفـه ارائـه مجوزهـای لازم را برعهـده دارنـد. اول مرکـز فنـاوری اطلاعـات و رسـانه‌های دیجیتـال. ایـن مرکـز دارای دو واحـد اجرایـی مسـتقل و یـک واحـد برنامه‌ریـزی اسـت. یکـی از واحدهـای اجرایـی

۱- «گسـترش فزاینـده فناوری‌هـای اطلاعاتـی و ارتباطاتـی بویـژه شـبکه جهانـی اینترنـت و آثـار چشـمگیر آن در ابعـاد زندگـی فـردی و اجتماعـی و لـزوم سـرمایه‌گذاری وسـیع و هدفمنـد در جهـت بهره‌گیـری حداکثـری از فرصت‌هـای ناشـی از آن در جهـت پیشـرفت همه‌جانبـه کشـور و ارائـه خدمـات گسـترده و مفیـد بـه اقشـار گوناگـون مـردم و همچنیـن ضـرورت برنامه‌ریـزی و هماهنگـی مسـتمر بـه منظـور صیانـت از آسـیب‌های ناشـی از آن اقتضـا می‌کنـد کـه نقطـه کانونـی متمرکـزی بـرای سیاسـتگذاری، تصمیم‌گیـری و هماهنگـی در فضـای سایبرکشـور بوجـود آیـد. بـه ایـن مناسـبت شـورای عالـی فضـای سایبرکشـور بـا اختیـارات کافـی بـه ریاسـت رییس‌جمهـور تشـکیل می‌گـردد و لازم اسـت بـه کلیـه مصوبـات آن ترتیـب آثـار قانونـی داده شـود ایـن شـورا وظیفـه دارد مرکـزی بـه نـام مرکـز ملـی فضـای سایبرکشـور ایجـاد کنـد تـا اشـراف کامـل و بـه‌روز نسـبت بـه فضـای سـایبردر سـطح داخلـی و جهانـی و تصمیم‌گیـری نسـبت بـه نحـوه مواجهـه فعـال و خردمندانـه کشـور بـا ایـن موضـوع از حیـث سـخت افـزاری، نـرم افـزاری و محتوایـی در چارچـوب مصوبـات شـورای عالـی و نظـارت بـر اجـرای دقیـق تصمیمـات در همـه سـطوح تحقـق یابـد»

متصدی توسعه کاربری فنآوری اطلاعات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و دیگری بخش متولی ساماندهی و توسعه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال در کشور است. دوم بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای.این بنیاد که با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شده، ۱۱ وظیفه دارد که از سیاست‌گذاری در زمینه تولید بازی‌های رایانه‌ای تا نظارت بر این بازی‌ها را شامل می‌شود.(درگاه اینترنتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

قوه قضاییه: همانند تمامی بخش‌های مختلف کشور، قوه قضاییه بر عملکرد شرکت‌های و افراد فعال در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز نظارت دارد. قانون جرایم رایانه‌ای این وظیفه را مشخص کرده است که مهم‌ترین بخش آن به کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه باز می‌شود. این کمیته که به کمیته فیلترینگ مشهور است براساس ماده ۲۲ قانون جرائم رایانه‌ای تشکیل شده و مسئولیت نظارت بر فضای سایبرو پالایش تارنماهای حاوی محتوای مجرمانه و رسیدگی به شکایات مردمی را برعهده دارد. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است آنچه این کارگروه به عنوان محتوای مجرمانه تشخیص می‌دهد را مسدود (فیلتر) کند.[1] از سوی دیگر براساس قانون جرایم رایانه‌ای چنانچه محتوای مجرمانه موجود در اینترنت، داخلی باشد یا سایت متخلف در داخل ایران میزبانی (هاستینگ) شود، دادستانی به صورت مستقل می‌تواند دستور مسدودسازی آن را صادر کند. (درگاه اینترنتی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه).

۱- سیاست فیلترینگ: عبارت است از محدودیت و نظارت ساختاریافته و هدفمند بر دسترسی کاربران اینترنت به وبگاهها و خدمات اینترنتی که از دیدگاه متولیان فرهنگی و سیاسی هر کشور برای مصرف عمومی مناسب نیست. اعمال فیلتر به وسیله ارائه دهندگان خدمات اینترنتی انجام می شود؛ ولی تعیین سطح، مصادیق و سیاستهای فیلتیرینگ، با حکومتهاست. (محبی، ۱۳۸۵، ۱۶) فیلترینگ، در ایران براساس قوانین مصوب در مجلس شورای اسلامی اعمال میشود و طیف گستردهای از وبسایتهای اینترنتی، از هرزهنگاری گرفته تا سیاسی را در بر میگیرد. (مهر، ۱۳۸۷: آنلاین)هرچند فیلترینگ، از ابتدای ورود اینترنت به ایران و با هدف جلوگیری از دسترسی کاربران به وبسایتهای مغایر با قوانین و سیاستهای جمهوری اسلامی ایران از سوی شرکت مخابرات ایران صورت میگرفت، اما در سال ۱۳۸۱ فیلترینگ، به صورت جدی مورد توجه واقع شد. کمیتههای سه نفره شامل: نماینده وزارت اطلاعات، نماینده وزارت فرهنگ، و ارشاد اسلامی و نماینده صداوسیما برای رسیدگی به وضعیت اینترنت تشکیل شد و بعد از مدت کوتاهی نماینده دبیرخانه شورای اسلامی و نمایند سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان دو عضو دیگر، به این کمیته پیوستند (بصیریان جهرمی، ۱۳۹۷: ۳۲).

قـــوه مقننـــه : قـوه مقننـه هـر چنـد بـا تاخیـر تـلاش داشـته اسـت در ایـن خصـوص بسـترهای قانونـی لازم بـرای اعمـال حاکمیـت بـر فضـای سـایبررا فراهـم نمایـد. از جملـه قانونگـذاری هـای بسـتر سـاز در ایـن خصـوص مـی تـوان بـه قانـون تجـارت االکترونیـک و قانـون جرائـم رایانـه ای اشـاره نمـود.

قانون تجارت الکترونیک

این قانون که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید نخستین و مهمترین متن قانونی برای تدوین شیوه های حکمرانی بر داده های شخصی در فضای سایبراست .مادۀ ۵۸ این قانون به اصل رضایت در جمع آوری و پردازش اطلاعات، وضعیت جسمانی،روانی یا جنسی اشخاص اشاره می کند. مادۀ ۵۹ نیز اذعان میدارد « درصورت رضایت شخص موضوع « داده پیام » به شرط آنکه محتوای داده پیام وفق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد، ذخیره، پردازش و توزیع داده پیام های شخصی در بستر مبادلات الکترونیکی باید با لحاظ شرایط زیر صورت پذیرد....» (مزینانیان، ۱۴۰۲، ۲۱۵)

قانون جرائم رایانه ای

ایـن قانـون کـه بـا هـدف حمایـت همـه جانبـه از اقـدام اشـخاص در اتخـاذ تدابیـر امنیتـی برایـن سیسـتم یـا داده هـای خـود، در مـاده ۱ دسترسـی غیـر مجـاز را جـرم انـگاری کـرده اسـت. همچنیـن مـاده ۱۷ ایـن قانـون نقـض اصـول راجـع بـه افشـا داده هـا را جـرم انـگاری کـرده اسـت. (مزینانیـان، ۱۴۰۲، ۲۱۷)در مجمـوع بـه نظـر مـی رسـد در ایـن قانـون نیـز بـه شـکل تنظیـم گـری و تدویـن قانـون و از بـالا بـرای حکمرانـی بـر فضـای سـایبر و لـو در شـکل حفـظ حریـم خصوصـی اقـدام شـده اسـت.

در سـایر مقـررات تدویـن شـده نیـز ماننـد آییـن نامـه فعالیـت پایـگاه هـای اطـلاع رسـانی (سـایت هـا) اینترنتـی(مصـوب سـال ۱۳۸۵ هئیـت وزیـران) و نیـز آییـن نامـه واحدهـای ارائـه کننـده خدمـات اطـلاع رسـانی و اینترنـت مصـوب سـال ۱۳۸۰ شـورای عالـی انقـلاب فرهنگـی ، و همچنیـن اصـول و سیاسـت هـای حاکـم بـر مجـوز خدمـات سـلامت در فضـای سـایبرمصوب کمیسـیون عالـی تنظیـم مقـررات

فضـای سـایبردر سـال ۱۳۹۲ ایـن رویکـرد تنظیـم گیـری و کنتـرل از بـالا مشـاهده مـی شـود.

صـدا و سـیما: افـزون بـر عضویـت رئیـس صـدا و سـیما در شـورای عالـی فضـای مجـازی، معاونـت فضـای سـایبرصدا و سـیما نیـز در زمینـه ارائـه مجوزهـای لازم بـرای فعالیـت شـرکت‌هایی کـه می‌خواهنـد تلویزیـون تعاملـی [1] ارائـه دهنـد، تعییـن مسـئولیت دارد.

فرماندهـی انتظامـی جمهـوری اسـلامی ایـران: پلیـس فضـای تولیـد و تبـادل اطلاعـات ایـران (فتـا) یـک واحد تخصصـی نیـروی انتظامـی جمهوری اسـلامی ایـران اسـت کـه وظیفـه آن جلوگیـری و مبـارزه بـا ایجـاد فیشـینگ (کلاهبـرداری اینترنتـی) و جعـل، سـرقت اینترنتـی، هـک و نفـوذ، جرائـم سـازمان یافتـه رایانـه‌ای، پورنوگرافـی (مـوارد سـوء اخلاقـی) و مخصوصـاً تجـاوز بـه حریـم خصوصـی افـراد اسـت. همچنیـن دسترسـی غیرمجـاز، برداشـت اینترنتـی غیرمجـاز از حسـاب‌های بانکـی اشـخاص، شـنود غیرمجـاز، جعـل رایانـه‌ای، تخریـب و اخـلال در داده‌هـا و سـامانه‌های رایانـه‌ای و مخابراتـی، اسـتفاده غیرمجـاز از پهنـای بانـد بین‌المللـی بـرای برقـراری ارتباطـات مخابراتـی، تولیـد و آمـوزش بدافزارهـا یـا نرم‌افزارهـای ارتـکاب جرایـم سـایبری و گـذرواژه و اطلاعـات کاربـران از جملـه موضوعاتـی هسـتند کـه مـورد پیگیـری پلیـس فتـا قـرار می‌گیرنـد. (وبسـایت پلیـس فتـا، ۱۴۰۱).

سال سوم، شماره۱، پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۳
الگویابی‌حکمرانی فضای‌سایبر در جمهوراسلامی‌ایران؛ مطالغه‌موردی‌توییتر وتلگرام

۴.چالش های حکمرانی فضای سایبردر ایران

صـرف نظـر از نهادهـای موثـر بـر شـیوه حکمرانـی بـر فضـای سـایبردر جمهـوری اسـلامی ایـران، برخـی چالـش هـای جـدی نیـز حکمرانـی مطلـوب را بـا مانـع مواجـه سـاخته انـد. بـه مهمتریـن آنهـا اشـاره مـی شـود.

محدودیت‌های زیرساختی

از موانـع مهـم در حکمرانـی فضـای سـایبردر ایـران، محدودیت‌هـای زیرسـاختی اسـت. بـا وجـود تلاش‌هـای دولـت بـرای توسـعه زیرسـاخت‌های بومـی، هنـوز

1- IPTV

بسیاری از سرویس‌های اینترنتی و فناوری‌های مرتبط با فضای سایبردر ایران زیرساخت‌های خارجی وابسته هستند. این وابستگی دسترسی به سرویس‌های جهانی و نیز رقابت با سرویس‌های بومی را دشوار می‌کند (مهرابیان، ۱۳۹۷: ۵۹).

چالش‌های حقوقی و قانونی

از دیگر موانع حکمرانی فضای سایبردر ایران، چالش‌های حقوقی و قانونی است. با وجود تصویب قوانین مختلف مانند قانون جرایم رایانه‌ای، هنوز برخی از ابعاد فضای مجازی، از جمله حقوق کاربران و حفاظت از داده‌ها، به‌طور کامل قانون‌مند نشده است. همچنین، هماهنگی میان نهادهای مختلف دولتی و قضایی در این زمینه همیشه به‌درستی انجام نمی‌شود (کاظمی، ۱۳۹۹: ۷۰).

مقاومت کاربران

در برخی موارد، کاربران ایرانی با ابزارهای مختلف مانند استفاده از فیلترشکن‌ها یا شبکه‌های اجتماعی غیرمجاز به سیاست‌های کنترلی دولت واکنش نشان می‌دهند. این امر باعث شده است که دولت موفق نشود به طور کامل به اهداف خود در زمینه نظارت و کنترل دست یابد (غفوری، ۱۳۹۶: ۴۲). به این مسئله اجتماعی نشدن فرهنگ استفاده از فضای سایبر در میان جامعه را نیز باید اضافه نمود(کاظمی، ۱۳۹۹: ۶۹).

۴-توییتر در ایران

توییتر از پرطرفدارترین شبکه‌های اجتماعی ایران است. این میکروبلاگ در انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸) به عنوان چهارمین وبگاه پربازدید ایرانیان از سوی سایت الکسا معرفی شد(وبسایت عصرایران، دسترسی ۱۳-۱۴۰۱/۵/). توییتر در ایران فیلتراست و کاربران مستقیم به آن دسترسی ندارند. با این حال مقایسه آمار توییتر در سال ۹۹ و ۱۴۰۰ نشان می‌دهد شمار کاربران فارسی زبان از ۲ میلیون کاربر در سال ۹۹ به ۳.۲ میلیون در سال ۱۴۰۰ رسیده است. همچنین تعداد توییت‌ها نیز از ۵۰۰ میلیون به ۷۹۰

میلیون توییت افزایش داشته است. در این بین تعداد کاربرانی که بیش از ۱۰۰ هزار فالوور دارند ۱۷۰ و بیش از ۲۰ هزار فالوور حدود ۱.۳ هزار کاربر بوده است. (مرکز پژوهشی بتا، ۱۴۰۱).[۱]

اما درباره فرآیند امنیتی شدن توییتر و نیز نهادهای موثر در فیلترشدن این میکروبلاگ محمدجواد آذری جهری وزیر ارتباطات در دولت دوازدهم این فرایند را چنین بیان کرده است: «مقوله فیلترینگ براساس یک چارچوب و قانون مشخص که مصوب مجلس است در کشور اعمال و مکانیزم انجام فیلترینگ در کارگروهی که در دادستانی کل کشور است مشخص می‌شود. ضمن اینکه جدا از تصمیم‌گیری‌هایی که در این خصوص توسط کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه اتخاذ می‌شود، براساس قوانین مدنی کشور قضات هم می‌توانند در این خصوص تصمیم‌هایی اتخاذ کنند...اما قوه قضائیه در برخی مواقع به موضوع پیشگیری از انجام یک جرم استناد و بر همین اساس اعلام می‌کند که من مختار هستم مستقیم وارد و یک شبکه را فیلتر کنم.» وی ادامه میدهد «در ایران برای فیلتر شدن سرویس‌ها دو نوع مسأله وجود دارد. یک مسأله حاکمیتی و دیگری هم مسأله فرهنگی و اخلاقی. شبکه اجتماعی مانند توئیتر شبکه‌ای با مطالب غیراخلاقی و غیرفرهنگی نیست و مقوله فیلترینگ توئیتر بواسطه موضوعات حاکمیتی انجام شده است. به طور خاص این شبکه (توییتر) در رخداد سال ۸۸ موضعی علیه حکومت ایران داشت. در آن زمان و براساس اظهاراتی که از سوی مدیر این شبکه مطرح شد دولت ایران این تصور را داشت که آنها در امور داخلی کشور دخالت کرده‌اند و فیلتر توئیتر به این دلیل اتخاذ شد. تصمیم‌گیری در این خصوص تنها بر عهده وزارت ارتباطات نیست. تصمیم‌گیر اصلی این موضوع مرجعی به نام شورای عالی فضای سایبراست و این مجموعه باید تصمیم نهایی در این خصوص را اتخاذ کند. در حال حاضر آنها درخواستشان را مطرح کرده‌اند و شورای عالی فضای سایبرباید بررسی‌های لازم برای این گفت‌وگو را انجام دهد در نهایت نیز ما براساس رهنمودها و دستورات این شورا اقدام‌های لازم را انجام خواهیم داد (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۱/۷/۳).

۱- متعاقب مسدود شدن توییتر پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، توییتر از جمله بسترهایی بود که برای اطلاع‌رسانی سریع و مخابره اخبار مورد استفاده گسترده قرار گرفت. از آن سال جز در مقطعی کوتاه در سال ۱۳۹۱ توییتر در ایران فیلتر است.

این مصاحبه از نمونه‌هایی است که به خوبی شیوه مدیریت و به عبارتی امنیتیسازی توییتر را در ایران نشان میدهد. جایی که یک شبکه اجتماعی از سوی تصمیمگیران و بازیگران امنیتیساز به عنوان تهدید مطرح میشود و در نهایت با کمک بازیگران کارکردی سبب فیلترینگ آن میشود. در این فرایند البته جایی برای مرحله اقناع و همراه سازی افکار عمومی دیده نمی‌شود.

در ادامه به برخی سیاست هایی که با همین رویکرد در خصوص پیام رسان توییتر اتخاذ شده، اشاره می کنیم

1- فیلترینگ: متعاقب ناآرامی انتخاباتی سال ۱۳۸۸و استفاده گسترده معترضان از توییتر به منظور تبادل اطلاعات و گاه سازماندهی اعتراضات، مسئولان اقدام به فیلتر کردن این پلتفرم کردند. این تصمیم به ویژه پس از آن اتخاذ شد که توییتر به عنوان ابزاری برای انتقال اخبار از داخل کشور به بیرون تبدیل شده بود (حکمت‌جو، ۱۳۹۸، ص، ۸۲). فیلترینگ نه تنها دسترسی به این رسانه را محدود کرد، بلکه سبب شد حاکمیت از ابزارهای مختلف برای مسدود کردن دسترسی به آن نیز بهره ببرد.

2- نظارت و رصد محتوای توییتر: درپی مسدود شدن استفاده از پلتفرم توییتر، نهادهای حاکمیتی و گاه امنیتی به شکل فعال محتوای منتشر شده در توییتر را رصد نمودند. این نهادها از اطلاعات بدست آمده برای شناسایی و کنترل فضا و نیز افرادی که قصد اجرای برنامه یا هدف خاصی را داشتند استفاده کرده‌اند (ناصری، ۱۴۰۱، ص، ۳۰).

3- ممانعت از استفاده بدون محدودیت: با توجه این سابقه استفاده از توییتر در ناآرامی ها و نیز محبوبیت توییتر در دنیای دیجیتال، حاکمیت درصدد برآمد در نهایت دسترسی به این پلتفرم محدود نماید. برای نمونه، وزارت ارتباطات از ابزارهای فنی مختلف همانند مسدودسازی سرویس‌های وی پی ان و فیلترشکن‌ها، استفاده نمود تا دسترسی آزاد به این پلتفرم را محدود تر نماید (سلطانی، ۲۰۱۸، ص، ۱۱۸).

در تمامی سیاست های اتخاذ شده البته در کنار نهادهای یاد شده نقش

نهادهایی همچون وزارت اطلاعات و نمایندگان آن، (حکمت‌جو، ۲۰۱۹، ص. ۸۵)، گزارش های نهادهای امنیتی (ناصری، ۱۴۰۱، ص. ۳۲)، شورای عالی فضای سایبربه مثابه شورایی فراقوه ای و مرجع نهایی در سیاستگذری ها و اتخاذ تصمیمات نهایی تعیین کننده بود شورای عالی فضای سایبرتا سالها پس از ناآرامی های سال ۱۳۸۸ مستمر به بررسی اعمال فیلتر یا نظارت بر این پلتفرم توجه نشان داده است (سلطانی، ۱۳۹۷، ص، ۱۲۰).

۵-تلگرام در ایران

تلگرام پرطرفدارترین شبکه اجتماعی در ایران است. طبق آمار مرکز پژوهشی بتا (بررسی و تحلیل اطلاعات)، تلگرام تا سال ۱۴۰۰ و با وجود فیلتر بودن بیش از ۴۹ میلیون کاربر در ایران دارد.[1] طی سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ تعداد گروه‌های فعال تلگرام از ۲ میلیون به ۲/۵ میلیون گروه و تعداد کانال از ۲ میلیون به ۲/۸ میلیون کانال افزایش یافته است (مرکز پژوهشی بتا، ۱۴۰۱).

درپی برخی ابراز نگرانی های نهادهای حاکمیتی ایران، در اردیبهشت ۱۳۹۵ مطابق مصوبه شورای عالی فضای سایبربه این شبکه اجتماعی ۱۲ ماه مهلت داده شده تا سرورها را به ایران منتقل کنند. پاول دورف مالک این شبکه اعلام نمود سرورهای تلگرام به ایران منتقل نخواهند شد. اما متعاقب ناآرامی‌های دی ۹۶ در ایران، مسئولان تصمیم گرفتند تلگرام و اینستاگرام را نیز همچون توییتر فیلتر کنند. درپی این تصمیم شماری از مسئولان و نیز نهادها، فعالیت کانال‌های خود را در تلگرام متوقف کردند.در نهایت در ۱۰ اردیبهشت ۹۷ با دستور قضایی تلگرام از دسترس کاربران ایرانی خارج شد. در این دستور قضایی آمده بود: «کلیه ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی به اینترنت کشور خصوصاً شرکت ارتباطات زیر ساخت و اپراتورهای تلفن و دارندگان پروانه ارائه خدمات ارتباطات ثابت مکلفاند از این تاریخ نسبت به اعمال مسدودسازی کامل وب‌سایت و اپلیکیشن شبکه اجتماعی تلگرام اقدام کنند» (خبرآنلاین،

۱- این مرکز تاکنون یعنی تا اسفند سال ۱۴۰۲ آمار جدیدتری ارائه نکرده است.

دسترسی در ۱۴۰۰/۳/۱۶). آنگونه که ملاحظه می شود نقطه عطف برای تصمیم به فیلترینگ تلگرام همانند توییتر نگاه امنیتی بود. بر اساس این گزارش همچنین دلایل زیر از سوی مسئولان برای این اقدام ذکر شده بود:

- اخلال در وحدت ملی و ایجاد اختلاف بین قشرهای جامعه بهویژه از طریق طرح مسائل نژادی، قومی در کنار تحریک و اغوای مردم به شورش و آشوب.

- جمع‌آوری اطلاعات مردم و کشور و دسترسی بیگانگان به حریم خصوصی و داده‌های شهروندان ایرانی و جاسوسی به نفع اجانب.

- انتشار، توزیع و تجارت انواع محتوای مستهجن و خلاف عفت عمومی و گسترش فساد و فحشا در جامعه.

- اهانت به مقدسات و ارزش‌های اسلامی و تبلیغ به نفع فرقه‌های منحرف و مخالف اسلام.

- نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و لطمه به آسایش عمومی.

- قاچاق کالا، ارز، مواد مخدر و سایر کالاهای غیرمجاز.

- اقدام علیه امنیت کشور از طریق گروهک‌های تروریستی.

- کلاهبرداری، نقض مالکیت معنوی و سایر جرائم مالی.

- تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران.

- هتک حیثیت اشخاص.

حکم مسدود سازی به فاصله یک روز از صدور آن یعنی ۱۱ اردیبهشت اجرا شد (وبسایت باشگاه خبرنگاران جوان، دسترسی در ۱۴۰۱/۶/۱۳). عبدالصمد خرم‌آبادی دبیر کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مجرمانه و معاون قضایی دادستان کل کشور در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ اعلام کرد:«مردم به

شایعات در خصوص این که فیلترینگ تلگرام موقت است توجه نکنند. فیلتر تلگرام دائمی و قطعی است. به حول و قوه الهی کشور ایران در فضای سایبرمستقل خواهد شد و ارتباطات مردم در این فضا هم از نظر سرعت و هم کیفیت و کمیت نسبت به گذشته افزایش خواهد داشت و تلگرام و سایر پایگاه‌های اینترنتی که قوانین کشور را نادیده گرفته‌اند هیچ جایی در آینده فضای سایبرکشور نخواهند داشت و انشاالله استقلال و حاکمیت ملی در فضای سایبرتثبیت خواهد شد لذا تلگرام به هیچ وجه رفع فیلتر نخواهد شد» (خبرگزاری ایسنا، دسترسی ۱۴۰۱/۶/۱۷)

در ادامه بسیاری از کاربران ایرانی با استفاده از فیلترشکن به حضور در این پیامرسان ادامه دادند. در مقابل عبدالصمد خرم‌آبادی دبیر کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و معاون قضایی دادستان کل کشور در امور فضای سایبر ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ با انتشار پستی در کانال خود در پیام رسان سروش اعلام کرد: فعالیت صنفی در بستر تلگرام ممنوع است. واحدهای صنفی و کسب و کارهای اینترنتی باید فعالیت‌های خود را به شبکه‌های اجتماعی داخلی منتقل نمایند. او تهدید کرد اگر واحدهای صنفی به فعالیت صنفی یا تبلیغاتی در تلگرام ادامه دهند، وزارت صنعت، معدن و تجارت و مراجع صنفی(اتاق اصناف و اتحادیه‌های صنفی) اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند[1] (خبرگزاری ایسنا، دسترسی ۱۴۰۱/۶/۱۷).

نوع مواجهه مسئولان در قبال پیام رسان تلگرام نیز نشان داد متعاقب تاثیر و نقش آن در ناآرامی‌های دی ۹۶، مواجهه با آن در قالب امنیتیسازی تلگرام آغاز شد. در این مرحله نیز همانند توییتر اقداماتی همچون فیلترینگ، محدودسازی فنی و محتوایی و نیز اعمال نظارت بر کانال های مختلف بر این پلتفرم اعمال شد. تنها تفاوت قابل توجه در این میان برنامه ریزی برای جایگزینی پلتفرم

۱- به کلیه واحدهای صنفی اعم از کسب و کارهای اینترنتی و غیر اینترنتی سراسر کشور اعلام و ابلاغ نمایند» از هرگونه فعالیت تبلیغاتی و خدماتی در پیام رسان فیلتر شده تلگرام اکیداً خودداری کنند و فعالیت‌های خود را به شبکه‌های اجتماعی بومی منتقل نمایند. در صورتی که واحدهای صنفی پس از اطلاع‌رسانی به فعالیت صنفی یا تبلیغاتی خود در بستر شبکه اجتماعی تلگرام ادامه دهند، وزارت صنعت معدن تجارت و مراجع صنفی اقدامات قانونی لازم را بعمل آورند.(خبرگزاری ایسنا، دسترسی ۱۴۰۱/۶/۱۷).

تلگرام و دیگر پلتفرم های غیر ایرانی با پیام رسان های داخلی بود. ترویج و تقو پیام‌رسان‌هایی مانند «سروش»، «گپ» و «بله» با هدف جایگزینی تلگرام و کاهش وابستگی به پلتفرم‌های خارجی معرفی صورت گرفت. این درحالی است که همزمان، بازیگران کارکردی و نیز نهادهای تسهیل گر به ویژه رسانه و به طور ویژه صداوسیما با ایجاد کمپین های برنامه ریزی شده، تلاش کردند این پیامرسان را به عنوان تهدیدی برای سیاست و اقتصاد و فرهنگ معرفی و مردم را به استفاده از این پیام‌رسان‌ها تشویق کنند (حکمت‌جو، ۱۴۰۱، ص، ۹۲). این در حالی است که واکنش های مردم و کاربران مطابق انتظار این نهادها پیش نرفت. استفاده از همان پلتفرم ها و بهره گیری از فیلترشکن ها برای عبور از محدودیت ها تنها یکی از این واکنش های گسترده بود. چون نهادهای تسهیل گر به جای اقناع به تهدید نمایی و مشروعیت سازی برای تصمیات اتخاذ شده روی آورده بودند. نهادهای کارکردی دیگر که در خصوص توییتر به آنها اشاره کردیم در قبال تلگرام هم در همین مسیر نقش آفرینی کردند.

نتیجه‌گیری

به نظر می رسد بتوان مدل حکمرانی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران را حسب داده های ارائه شده در این مطالعه ترکیبی از مدل نظارت و کنترل و مدل تنظیم گری و قانونگذاری دانست. در این مدل ترکیبی تلاش می شود فرایندهای نظارتی و کنترلی در قالب و بسترهای قانونی و مشروع اعمال گردد. این نوع مدل مدیریت فضای سایبر البته ریشه در نگاه امنیتی و تهدید محور دارد. با این حال از نگاه چارچوب نظری مقاله، با وجود غلبه وجه امنیتی و عامل امنیتی ساز، اما در نوع مواجهه حاکمیت در جمهوری اسلامی با حکمرانی فضای سایبر و به طور خاص دو پلتفرم توییتر و تلگرام، به نظر می‌رسد شیوه مواجهه مدیریتی با این دو پلتفرم، واجد ویژگی‌هایی است که آن را از مدل امنیتی سازی مکتب کپنهاگ متمایز میسازد. هرچند حسب آنچه از نظریه امنیتی سازی در اینجا مطرح شد وجوه اشتراکی نیز مشاهده می شود. اما در این بین نبود مرحله دوم فرایند امنیتیسازی یعنی اقناع عمومی(مخاطبان هدف) اصلیترین حلقه مفقوده این فرایند دستکم در خصوص مدیریت توییتر و تلگرام است.

با توجه به وجود دو نگاه تهدید محور و فرصت محور در میان کشورها به فضای سایبر، تجربه فیلترینگ توییتر و تلگرام در جمهوری اسلامی نشان داد این شبکهها طی فرایندهایی و با بهره گیری از بازیگران امنیتی ساز و بازیگران کارکردی به مثابه تهدید وجودی برای مردم و نظام سیاسی معرفی شدند(حسب اتهاماتی که به آنها وارد شده بود)؛ و همین امر نیز انتظاری جز مواجهه بر مبنای امنیتیسازی را برای مسئولان باقی نگذاشت. فرایندی که از سوی بازیگران امنیتی ساز شروع میشود و به تدریج سایر بازیگران کارکردی و سپس شرایط تسهیل کننده در شکل رسانهها، نهادهای همسو و اصحاب تریبون را در یک هماهنگی پای کار آورده است. اما در این بین بخش اقناع افکارعمومی و مخاطبان هدف (که در این مدل فراتر از کاربران و مخاطبان عام هستند و بلکه نخبگان فکری جامعه را نیز در بر میگیرد) از نظر دور میمانند و چندان به نقش اقناع کننده آنها توجه نمی شود.

حسب مطالعه حاضر مرحله اولیه امنیتی سازی که معرفی یک موضوع به عنوان تهدید وجودی است در نوع موضع گیری مسئولان و نهادهای اصلی مشاهده شده است. این موضع گیری به ویژه در تلقی فضای سایبر به عنوان تهدیدی برای کشور در مواضع ایشان قابل مشاهده است(طرح صیانت از کاربران فضای سایبرنیز البته جدیدترین نوع از این شیوه مدیریت است که جای پرداختن به ان در این مقاله نیست). مرحله دوم امنیتی سازی، اقناع مخاطبان هدف توسط بازیگران امنیتیساز است که با توجه به حضور گسترده کاربران ایرانی در فضای سایبر و بهره گیری از آن به عنوان بستری برای کسب و کار باید اذعان نمود فرایندی پرچالش بوده است. مثلا در مورد توییتر و تلگرام، با وجود اعلام سیاستها و اتخاذ تصمیمات قطعی اما ادامه حضور کاربران در این دو شبکه اجتماعی و استفاده گسترده از فیلتر شکن، نشان دهنده نبود اقناع و یا اجرای ناقص آن است. در نهایت مرحله سوم امنیتیسازی که همان اقدامات خاص خارج از رویههای سیاسی معمول است، در روند امنیتی سازی فضای سایبر در ج.ا، در موارد متعددی از فیلترینگ توییتر و تلگرام و وضع قوانینی مانند اعمال محدویت و نظارت و پایش تا مواردی همچون طرح صیانت از کاربران دیده میشود. در کلیت این فرایند انگونه که

مشـاهده شـد برنامـه ای جـدی، منسـجم و هوشـمندانه جـز چندیـن سـخنرانی و مصاحبـه و میزگردهـای یکجانبـه، بـرای اقنـاع مخاطبـان و کاربـران هـدف البتـه دیـده نشـده بـود.

از ایـن رو باتوجـه بـه دادههـای پژوهـش، مـدل عملیاتـی جمهـوری اسـلامی در مدیریـت فضـای سـایبر بـه ویـژه تلگـرام و توییتـر را میتـوان چنیـن خلاصـه کـرد : در مرحلهـی اول ابتـدا مسـئله فضـای سـایبر (توییتـر و تلگـرام) بـا توجـه بـه فضـای سیاسـی کشـور بـه مثابـه تهدیـد بـرای امنیـت کشـور معرفـی میشـوند و در ادامـه در مرحلـه بعـدی قبـل از اقـدام کافـی بـرای اقنـاع مخاطبـان هـدف، مرحلـه اجـرای امنیتیسـازی از سـوی بازیگـران امنیتـی سـاز آغـاز میشـود. ایـن نقـص در فراینـد اجـرا، بدیهـی اسـت کـه ادامـه اجـرای ایـن شـیوه مدیریـت را بـا چالـش مواجـه میکنـد. بـه ایـن معنـا کـه ایـن فراینـد هیچـگاه بـه مرحلـه پایانـی یعنـی امنیتزدایـی از موضـوع و عـادی سـازی شـرایط بازنمیگـردد و وضعیـت همچنـان در شـرایط امنیتـی سـازی تـداوم مییابـد.

منابع

فارسی

آذرشیب، محمدتقی، نجم آبادی، مرتضی، بخشی تلیابی، رامین (۱۳۹۶). جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل. فصلنامه تخصصی علم سیاسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج)، ۱۳(۴۰) ، ۳۴-۲۳.

بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۹۲). رسانه‌های اجتماعی: ابعاد و ظرفیتها. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها (با همکاری) پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۹۳). سیاست و مصرف رسانه‌های اجتماعی مجازی در ایران: چالش‌ها، الگوها و تبیین یک مدل پیشنهادی. رسالهٔ دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.

بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۹۷). سیاستهای محدودسازی اینترنت و رسانه‌های اجتماعی: با تأکید بر رویکردهای فیلترینگ و جایگزینسازی در کشورهای مختلف». فصلنامه مطالعات رسانه‌های جدید. ۴ (۳)، (پیاپی ۱۷)، ۲۹-۱۴.

باشگاه خبرنگاران جوان (۱۴۰۱). فضای مجازی. قابل دسترس در: https://www.yjc.news/fa/cyberspace.

بوزان، باری، ویور، الی، دوویلد پاپ (۱۳۹۵). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. تهران، نشر آگاه.

بوزان، باری، (۱۳۹۷). مردم، دولتها و هراس. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

زارع‌زاده، رسول (۱۳۹۶). نگاه کپنهاگی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالش‌ها. فصلنامه آفاق امنیت. ۱۰ (۳۶) ۱۰، ۴۹-۳۳.

حاجی مینه، رحمت (۱۳۹۲). منطقه‌گرایی در آفریقا از منظر مکتب کپنهاگ. فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل. سال سوم بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره ۱ (پیاپی ۵). ۴۹-۲۹.

خالصی، پروین؛ بابایی، محمدباقر؛ مظاهری، محمدمهدی (۱۳۹۸). چالش‌ها، فرصت‌ها و اثرات سیاسی فضای سایبردرنظام جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹(۴)، ۱۸۸-۱۶۵

السـريتی، عبدالحفيـظ (۲۰۲۳). الاتفـاق السـعودی الايرانـی و انعكاسـات ايجابيـه منتظـره. العربـی. تـم الاسـترجاع ۲۶ سـبتمبر ۲۰۲۴ uk.co.alaraby.www

انگلیسی

Alsmadi, F. (2024). *Opportunities and challenges along the path of Saudi-iran relations*. Retrieved September 30, 2024 from: www.mecouncil.org

Brzezinski, Z. (1997). *The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives*. Basic Books.

Cafiero, G. (2023). *The Middle East's move towards diplomacy*. Retrieved September 20, 2024 from: www.newarab.com

Cafiero, G. (2024). *A year ago, Beijing brokered an Iran-Saudi deal. How does détente look today?*. Retrieved October 22, 2024 from: www.atlanticcouncil.org

Cofman Wittes, Tamara. (2021). *What to do – and what not to do – in the Middle East*. Retrieved September 25, 2024 from: www.brookings.edu

Conway, P. R. (2019). The Folds of Coexistence: Towards a Diplomatic Political Ontology, between Difference and Contradiction. *Theory, Culture & Society*.

Harrison, R. And Vatanka, A. (2023). *The Middle East Might Be Moving Toward Stability Heightened great power competition is allowing nations to make deals in their own best interests*. Retrieved September 15, 2024 from: www.foreignpolicy.com

Mearshaimer, J. J. (1995). The False Promise of International Institutions. *The MIT Press*.

Noueihed, L. (2023). *Is Quiet Diplomacy Remaking the Middle East?*. Retrieved September 10, 2024 from: www.bloomberg.com

Weitz, R. (2007). Henry Kissinger's philosophy of international relations. *Diplomacy & Statecraft*.

Young, J. C. and Young, Robertson, J and Aubert, Béatrice Agathe (2022). Insights from diplomacy for the prevention and resolution of conservation conflicts. *Conservation Letters. published by Wiley Periodicals LLC*.